۳۰۴
آئینه جان
ویژه شهادت

سردار دل‌ها

شهید حاج قاسم سلیمانی

از دوش سلیمان جهان یک علم افتاد
سر تا سر عالم به تب و تاب غم افتاد
در خواب خوش امن فرو بود زمانه
افسوس که یک بار دگر ارگ بم افتاد

شاعر فرهنگیار علی حسن غلامی

مکتبی به نام سلیمانی

در دوره های مختلف حیات اسلام، انسان‌های بزرگی زندگی کرده‌اند که هر کدام منشأ اثر بوده و جان خود را در راه اسلام فدا کرده‌اند، برخی از این افراد دارای ویژگی ها و امتیازاتی بوده اند که بعد از خود نیز باعث تحول شده اند، یکی از این افراد شاخص حاج قاسم سلیمانی است که از نظر فضایل، اخلاق، شرف و انسانیت برجسته و بارز است به گونه ای که به خاطر این برجستگی ها و امتیازات معنوی او را دارای مکتب و راه و روش می دانیم.

در تمام جهان نام او با عزت اسلام و ایران همراه است. در واقع او اسطوره‌ای ماندگار و اسوه‌ای بی همتا است. اما علت مکتب بودن سیره و راه و روش قاسم سلیمانی چیست؟

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در کلام خود اساسی‌ترین ویژگی مکتب اسلام را مردمی بودن، عقلانیت و درایت، پاسداری از ارزش‌ها، نگاه جهانی، پویایی و پر تحرک و عملیاتی بودن می‌دانند.

سه ویژگی از ویژگی های مکتب سلیمانی

۱- اعتقاد به انقلاب اسلامی

سردار سلیمانی در زندگی‌اش عاشق معبود خویش بود و همچنین در وصیتنامه شان، به حفظ و حراست از ارکان جمهوری اسلامی توصیه شده و این نشان دهنده طرح و نظری بی نظیر از اعتقادورزی به انقلاب اسلامی است. در واقع یکی از درس‌های مکتب حاج قاسم سلیمانی حفظ و حراست از جمهوری اسلامی است و آن مترادف با دفاع از بیت الله الحرام و قرآن است. او خالی کردن جبهه نظام را برابر با آسیب دیدن ارزش‌ها و آرمان‌ها می‌داند.

جالب است بدانید که حاج قاسم سلیمانی علاوه بر اینکه یک نظامی بود، یک دیپلمات هم بود. او در تمامی مذاکرات سیاسی و مقاومت از حماس گرفته تا جهاد اسلامی و از حزب الله لبنان گرفته تا ارتش سوریه و حشدالشعبی همواره موفق بود. در حقیقت نفس مذاکره ناپسند نیست، ولی مذاکره با دشمنی که در آن پیمان شکنی می‌کند و به دنبال زیاده خواهی است، مذموم و ناپسند است. اگر در مذاکره‌ای یک طرف بخواهد فقط امتیاز بگیرد و هیچ امتیازی به طرف مقابل ندهد این مذاکره نیست.

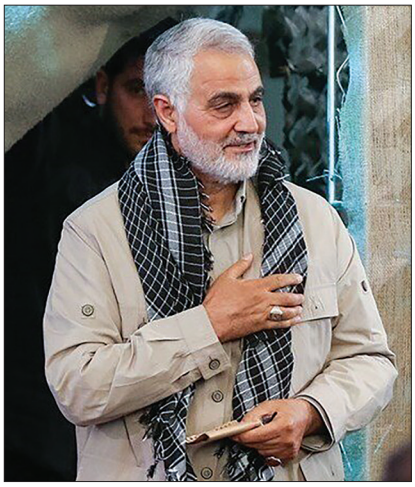

۲- مذاکره در خدمت مقاومت

سردار سلیمانی با پایبندی به اصول و مبانی توانست مذاکره را به خدمت مقاومت درآورد و به موفقیت‌های بزرگی دست یابد. ایشان از مسکو تا اربیل و بغداد و بیروت و ... مذاکره کرد و ظرفیت‌های بسیاری را پای کار آورد. شهید سلیمانی با وجود رویکرد آرمان خواهانه و انقلابیِ پیشرو، نگاه صفر و صدی به تعامل نداشت و پنجاه یا هفتاد درصد موفقیت ممکن را فدای ۱۰۰ درصد آرمانگرایی ناممکن (خیالی) ننمود.

۳- شجاعت توأم با تدبیر، هنر بزرگ شهید سلیمانی

سردار سلیمانی آنقدر اخلاق نیکو و محبت آمیزی داشت که هیچکس فکر نمی‌کرد که او یک شخص سیاسی است. اما این اخلاق پسندیده ایشان هیچگاه خللی در مواضع انقلابی ایشان ایجاد نکرد. او آنقدر در انقلابی بودن شفاف و صادق بود که نزدیکی به افراد و جناح‌های مختلف سیاسی، رفتار و مواضعش را دچار خلل نکرد. رهبر معظم انقلاب، درباره رویکرد سردار سلیمانی نکاتی فرمودند که نیاز همیشه ماست: «رفیق خوب و عزیز و خوشبخت ما شهید سلیمانی، هم شجاع و هم با تدبیر بود. صرف شجاعت نبود. برخی شجاعت دارند ولی تدبیر و عقل لازم را برای شجاعت ندارند. برخی اهل تدبیر هستند ولی دل و جگر لازم برای اجرای آن تدبیر را ندارند. این شجاعت و تدبیر توامان فقط در میدان نظامی هم نبود، بلکه در میدان سیاست هم همینطور بود.»

از مبارزه با داعش تا امدادرسانی به سیل‌زدگان

سردار دلها دلاورمرد جبهه‌های نبرد بود؛ اما خاطرات همرزمانش نشان می‌دهد که هر جا محرومان و ضعفا نیز نیاز به یاری داشتند و یا بحرانی رخ می داد، حاج قاسم سلیمانی به صورت جهادی وارد عمل می‌شد. همرزمان شهید سردار حاج قاسم سلیمانی درباره او می گویند که سردار دلها نه طاقت جنایات و جرائم غیرانسانی داعش را داشت و نه بی‌پناهی انسان‌ها را تاب می آورد.

او هر گاه از جبهه های جنگ بازمی گشت، به نیازمندان کمک می‌کرد، حضورش در روستای محل تولدش با کارهای جهادی همراه بود و علاوه بر ساخت و تعمیر خانه روستائیان، تا جایی که از دستش بر می‌آمد به احداث مکان‌های فرهنگی و مدرسه می پرداخت؛ با صفا و صمیمیتی که با رزمندگان داشت، آنها نیز به عشق او به میدان می‌آمدند و بدون چشمداشت به یاری نیازمندان می‌شتافتند.

سیل ویرانگری که فروردین‌ماه ۱۳۹۸ رخ داد، یکی از بحران هایی بود که در جریان آن، شهرهای استان خوزستان یکی پس از دیگری زیر آب می‌رفتند. حاج قاسم که سرگرم نبرد با دشمنان اسلام بود، عازم میدانی دیگر و این بار برای یاری مردم سیل‌زده شد.

سردار سلیمانی و تکریم خانواده‌های شهدا

همرزم سردار سلیمانی می گوید: حاج قاسم در آخرین سفر هوایی که از تهران به سمت سوریه داشت و بنده او را همراهی می‌کردم، در طول مسیر مدام قرآن تلاوت می‌کرد، ذکر می گفت و به محض شنیدن صدای اذان مغرب در راهرو هواپیما شروع به اقامه نماز کرد. در حالی که سردار مشغول راز و نیاز با معبود خود بود یک کودک در کنار وی راه می رفت و بازی می‌کرد حاج قاسم در اوج معنویت دست نوازش و محبت بر سرکودک کشید.

به گفته سردار کمالی، حاج قاسم عِرق خاصی به خانواده شهدا و فرزندان آنها به خصوص خردسالان داشت و اگر کسی کودکی را از جایی که نشسته بود بلند می کرد تا مسئولی جای او بنشیند بسیار ناراحت و معترض می شد و جایگاه خانواده شهدا را بالاتر از مسئولان و مقامات می دانست. حرف و عمل سردار سلیمانی یکی بود، صحبت ها و رفتار های او ما را منقلب می کرد.

بوسه سردار بر دستان راننده

یکی از همرزمان سردار سلیمانی در سوریه می‌گوید: پس از وقوع سیل خوزستان، با رزمندگان به شوش رفتیم، حاج قاسم پس از ورود به منطقه، با مردم صحبت و آنان را به آرامش دعوت کرد. زمانی که قرار بود سوار بالگرد شود، راننده او به سوی سردار دوید و دست حاج قاسم را بوسید که سردار یکدفعه برگشت، او را در آغوش گرفت و به صورت و دستش بوسه زد. راننده که اختلاف درجه سازمانی زیادی با سردار داشت، از این اقدام حاج قاسم شوکه شده بود به حدی که از فرط خوشحالی نمی توانست رانندگی کند و مدام بر دست خود بوسه می زد و می گفت سردار دست مرا بوسیده است.

به گفته سردار «حمید کمالی»، حاج قاسم در آن سفر پس از شوش عازم دزفول شد، به دیدار مادر پنج شهید در این شهر رفت و بر پای مادر شهدا بوسه زد. او سپس برای ادامه سرکشی به مناطق سیل زده رفت و به نیروهای، حشد الشعبی، سپاه، ارتش و رزمندگان گفت: الان دفاع حرم برای ما خوزستان است، همه نیروها با شنیدن سخن حاج قاسم از خود بی خود شدند و با اشتیاق همانند جبهه های جنگ به مناطق سیل زده رفتند تا مردمی گرفتار سیل را نجات دهند.

عکس یادگاری

سید شهاب الدین واجدی از عکاسانی است که توانست تصاویر بسیاری از شهید قاسم سلیمانی ثبت کند. او یکی از خاطراتش را این طور روایت می کند: در ۱۵سال اخیر وقتی به یادواره های شهدا دعوت می شدم، آن بزرگوار را می دیدم. در جبهه مقاومت سوریه و عراق هم که برای عکاسی و ثبت اتفاقاتی که آنجا رخ می داد حضور داشتم، چند بار توفیقش را یافتم که در خدمت شهید سردار سلیمانی باشم. همیشه چهره با جذبه، با ابهت و ذکر و خیر خوبی ها و دلاوری های ایشان و لبخند ملکوتی که بر لب های ایشان بود، زبانزد عام و خاص بود.

در یکی از مراسم یادواره شهدای حرم در حال عکاسی از ایشان و خانواده شهدا بودم که ناگهان گفتند: این همه سال از من عکس گرفتی نمی خواهی با هم عکس یادگاری داشته باشیم؟ من شوکه شدم. با خودم گفتم: سردار سلیمانی با آن همه جذبه به من عکاس می گوید که بیا با هم عکس بگیریم. این شد که در کمال ناباوری کنار ایشان ایستادم و دوربین را به دست یکی از همکاران دادم که عکسی یادگاری از من و ایشان انداختند که ماندگار شد. ابهتی که سردار داشتند هر هنرمندی را تحت تأثیر قرار می داد که ناشی از آن روحیه شهادت طلبی و روحیه علی وار ایشان بود.

کف پای مادرم را بوسیدم (خاطره ای که سردار نخواست منتشر شود)

شهید سردار سلیمانی در جمع خبرنگاران خاطره ای را تعریف کرد و به آنان گفت در زمان حیاتش این خاطره را منتشر نکنند. پس از شهادت ایشان یکی از خبرنگاران این خاطره را روایت کرد: مادر بزرگوار سردار حاج قاسم سلیمانی که از دنیا رفتند، پس از چند روز با جمعی از خبرنگاران تصمیم گرفتیم برای عرض تسلیت به روستای قنات ملک برویم. با هماهنگی قبلی، روزی که سردار هم در روستا حضور داشتند، عازم شدیم. وقتی رسیدیم ایشان را دیدیم که کنار قبر مادرشان نشسته و فاتحه می خوانند. بعد از سلام و احوال پرسی به ما گفت: من به منزل می روم، شما هم فاتحه بخوانید و بیایید.

بعد از قرائت فاتحه به منزل پدری ایشان رفتیم. برایمان از جایگاه و حرمت مادر صحبت

کرد و گفت: این مطلبی را که می‌گویم جایی منتشر نکنید. همیشه دلم می خواست کف پای مادرم را ببوسم ولی نمی دانم چرا این توفیق نصیبم نمی‌شد. آخرین بار، قبل از مرگ مادرم که این جا آمدم، بالاخره سعادت پیدا کردم و کف پای مادرم را بوسیدم. با خودم فکر می‌کردم حتماً رفتنی ام که خدا توفیق داد و این حاجتم برآورده شد. سردار در حالی که اشک جاری شده بر گونه هایش را پاک می کرد، گفت: نمی دانستم دیگر این پاهای خسته را نخواهم دید تا فرصت بوسیدن داشته باشم.

شما می‌توانید فایل‌های دیگر شماره‌های تک برگ آئینه جان در موضوعات مختلف سبک زندگی اسلامی، مناسبت‌های مختلف، دفاع مقدس و شهدا، موعظه خوبان و... را از درگاه اینترنتی سراج اندیشه دریافت نمایید.

سایت سراج اندیشه

serajnet.org